

**نویسندگان:** میدیا بن الیمین (Medea Benjamin) و نیکولاس جی. اس.



داویدس (Nicolas J.S. Davies).

**منبع و تاریخ نشر:** کمان دریم (2023-01-03).

[6]

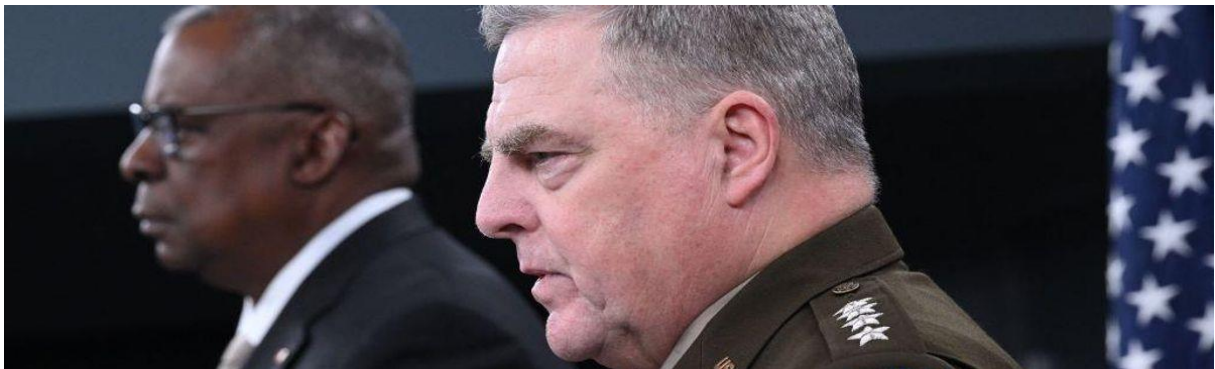
**برگردان:** پوهندوی دوکتور سید حسام «مل».

## آیا ناتو و پنتاگون می توانند یک پلکان دیپلماتیک در اوکراین پیدا کنند

### Can NATO and the Pentagon Find a Diplomatic Off-Ramp in Ukraine?

سیاست ایالات متحده در اوکراین بین نیاز شهرت برای ارباب دشمنان و حمایت از متحدانش از یک سو و خطرات غیرقابل تصور تشدید تنش در دنیای واقعی از سوی دیگر گیر کرده است.

**U.S. policy in Ukraine remains caught between the reputational need to intimidate its enemies and support its allies on the one hand, and the unthinkable real-world dangers of escalation on the other.**



لوید آستین، وزیر دفاع ایالات متحده و ژنرال مارک میلی، رئیس ستاد مشترک ارتش، در 16 نوامبر 2022 در پنتاگون در واشنگتن دی سی کنفرانس مطبوعاتی برگزار کردند. (عکس از ماندل نگان / خبرگزاری فرانسه از طریق گتی ایماژ)

\*\*\*\*\*

**بنس استولتبرگ**، دبیرکل ناتو، که به حمایت قاطع خود از **اوکراین** معروف است، اخیراً بزرگترین ترس خود را برای زمستان امسال برای یک مصاحبه‌کننده تلویزیونی در نروژ آشکار کرد: این که نبرد در اوکراین می‌تواند از کنترل خارج شود و به یک جنگ بزرگ بین **نا تو** و **روسیه** تبدیل شود. او با جدیت هشدار داد: «اگر همه چیز اشتباه پیش برود، ممکن است به طرز وحشتناکی اشتباه شود.»

این یک اعتراف نادر از جانب کسی بود که تا این حد در جنگ شرکت داشت و منعکس‌کننده دوگانگی در اظهارات اخیر بین رهبران سیاسی ایالات متحده و **نا تو** از یک سو و مقامات نظامی از سوی دیگر است.

به نظر می‌رسد رهبران غیرنظامی همچنان متعهد به راه اندازی یک جنگ طولانی و بی‌پایان در اوکراین هستند، در حالی که رهبران نظامی، مانند رئیس ستاد مشترک ارتش ایالات متحده، **ژنرال مارک میلی**، صحبت کرده و از اوکراین خواسته‌اند که "لحظه را بخاطر تامین صلح صحبت می‌کند."

در یاسالار بازنشسته **مایکل مولن**، رئیس سابق ستاد مشترک ارتش، ابتدا صحبت کرد، شاید در حال آزمایش آب برای میلی، به ABC News گفت که ایالات متحده باید «هر کاری که ممکن است انجام دهد تا تلاش کند برای حل این مشکل به میز مذاکره برسیم».

آسیا تایمز گزارش داد که دیگر رهبران نظامی **نا تو** با دیدگاه **مابلی** موافقت نمی‌کنند که نه روسیه و نه اوکراین نمی‌توانند به پیروزی نظامی آشکار دست یابند، در حالی که ارزیابی‌های نظامی فرانسه و آلمان به این نتیجه می‌رسند که موقعیت قوی‌تر مذاکره‌ای که اوکراین از طریق موفقیت‌های نظامی اخیر خود به دست آورده است، با در نظر داشتن توجه به توصیه **میلی** در صورت شکست کوتاه مدت خواهد بود.

پس چرا رهبران نظامی ایالات متحده و **نا تو** اینقدر فوری صحبت می‌کنند تا تداوم نقش مرکزی خود را در جنگ در اوکراین رد کنند؟ و چرا اگر رؤسای سیاسی‌شان نشانه‌های تغییر جهت به سمت دیپلماسی را نادیده بگیرند، چنین خطری را در آینده می‌بینند؟

مطالعه‌ای به سفارش **پنتاگون** که در ماه دسامبر منتشر شد، با عنوان پاسخ به حمله روسیه به **نا تو** در طول جنگ اوکراین، سرنخ‌هایی را در مورد آنچه که **میلی** و همکاران نظامی او بسیار نگران‌کننده می‌دانند، ارائه می‌دهند. این مطالعه گزینه‌های ایالات متحده برای پاسخ به چهار سناریو را بررسی می‌کند که در آن روسیه به طیفی از اهداف ناتو حمله می‌کند، از ماهواره‌های اطلاعاتی ایالات متحده یا انبار تسلیحات **نا تو** در لهستان تا حملات موشکی در مقیاس بزرگتر به پایگاه‌ها و بنا در هوایی **نا تو**، از جمله پایگاه هوایی **رامشتاین** ایالات متحده. و **بندر روتردام**.

این چهار سناریو همگی فرضی و مبتنی بر تشدید تنش روسیه در خارج از مرزهای اوکراین است. اما تحلیل نویسندگان نشان می‌دهد که مرز بین پاسخ‌های نظامی محدود و متناسب به تشدید تنش روسیه و مارپیچ تشدید که می‌تواند از کنترل خارج شود و به جنگ هسته‌ای منجر شود، چقدر دقیق و نامطمئن است.

در جمله پایانی نتیجه‌گیری این مطالعه آمده است: «پتانسیل استفاده هسته‌ای به هدف ایالات متحده برای اجتناب از تشدید بیشتر وزن می‌افزاید، هدفی که ممکن است در پی حمله محدود روسیه به‌طور فزاینده‌ای حیاتی به نظر برسد.» با این حال، بخش‌های دیگر این مطالعه بر اساس همان

نگرانی‌ها در مورد «اعتبار» ایالات متحده که دورهای ویرانگر اما در نهایت بیهوده تشدید تنش‌ها را در ویتنام، عراق، افغانستان و دیگر از دست رفته‌ها به دنبال داشت، علیه تنش‌زدایی یا پاسخ‌های کمتر از تنا سب به تشدید جنگ‌ها و تنش‌های روسیه استدلال می‌کنند.

رهبران سیاسی ایالات متحده همیشه می‌ترسند که اگر با قدرت کافی به اقدامات دشمن پاسخ ندهند، دشمنان آنها (اکنون از جمله چین) به این نتیجه خواهند رسید که تحرکات نظامی آنها می‌تواند تأثیر قاطعی بر سیاست ایالات متحده داشته باشد و ایالات متحده و متحدانش را مجبور به عقب‌نشینی کند. اما تشدید تنش‌های ناشی از چنین ترس‌هایی پیوسته به شکست‌های قاطع‌تر و تحقیرآمیزتر ایالات متحده منجر شده است.

در اوکراین، نگرانی ایالات متحده در مورد «اعتبار» با نیاز به نشان دادن به متحدانش تشدید می‌شود که ماده 5 «نا تو» - که می‌گوید حمله به یکی از اعضای «نا تو» حمله به همه تلقی می‌شود - تعهدی واقعاً محکم برای دفاع از آنهاست.

بنا بر این سیاست ایالات متحده در اوکراین بین نیاز به شهرت به ارباب دشمنان و حمایت از متحدانش از یک سو و خطرات غیرقابل تصور تشدید تنش در دنیای واقعی از سوی دیگر گرفتار شده است. اگر رهبران ایالات متحده مانند گذشته به رفتار خود ادامه دهند و از تشدید تنش به جای از دست دادن «اعتبار» حمایت کنند، با جنگ هسته‌ای معا شقه خواهند کرد و خطر تنها با هر چرخش مارپیچ تشدید کننده افزایش می‌یابد.

از آنجایی که فقدان یک «راه حل نظامی» به آرامی بر سر جنگجویان صندلی راحتی در واشنگتن و پایتخت‌های کشورهای اعضای «نا تو» ظاهر می‌شود، آنها بی‌سر و صدا مواضع آشتی‌جویانه تری را در بینیه‌های عمومی خود می‌گیرند. مهمتر از همه، آنها اصرار قلبی خود را مبنی بر بازگرداندن اوکراین به مرزهای قبل از 2014، یعنی بازگشت تمام دونباس و کریمه، با درخواست از روسیه برای عقب‌نشینی فقط به مواضع قبل از 24 فوریه 2022 جایگزین می‌کنند. روسیه پیش از این در مذاکرات ترکیه در ماه مارس با آن موافقت کرده بود.

**آنتونی بلینکن**، وزیر امور خارجه ایالات متحده، در 5 دسامبر به وال استریت ژورنال گفت که هدف از جنگ اکنون «با زپس‌گیری سرزمین‌هایی است که از 24 فوریه از [اوکراین] تصرف شده است» WSJ. گزارش داد که «دو دیپلمات اروپایی... گفتند [ایالات متحده، جیک سالیان، مشاور امنیت ملی توصیه کرد که تیم آقای زلنسکی درباره خواسته‌ها و اولویت‌های واقع‌بینانه خود برای مذاکرات، از جمله بازنگری در هدف اعلام‌شده اش برای بازپس‌گیری کریمه که در سال 2014 به اوکراین ضمیمه شد، فکر کند.

وال استریت ژورنال در مقاله دیگری به نقل از مقامات آلمانی نوشت: «آنها بر این باورند که انتظار بیرون راندن کامل نیروهای روسیه از تمام سرزمین‌های اشغالی غیرواقعی است»، در حالی که مقامات انگلیسی حداقل مبنای مذاکرات را تمایل روسیه به «عقب‌نشینی» تعریف کردند. موقعیت‌هایی که در 23 فوریه اشغال کرد یکی از اولین اقدامات **ریشی سوناک** به عنوان نخست‌وزیر بریتانیا در پایان اکتبر این بود که وزیر دفاع **بن والاس** با **سرگئی شوئیگو** وزیر دفاع روسیه برای اولین بار از زمان تهاجم روسیه در فوریه تماس گرفت. **والاس** به **شوئیگو** گفت که بریتانیا می‌خواهد تنش‌ها را کاهش دهد، تغییری قابل توجه از سیاست‌های نخست‌وزیران سابق اعم از **بوریس جانسون** و **لیز تراس**.

مانع اصلی که دیپلمات‌های غربی را از میز صلح با ز می دارد، لفاظی‌های حداکثری و مواضع مذاکره‌ای رئیس‌جمهور **زلنسکی** و دولت اوکراین است که از آوریل اصرار داشته است که به چیزی جز حاکمیت کامل بر هر و جب از خاک اوکراین رضایت نخواهد داد. که قبل از سال 2014 در اختیار داشت.

اما این موضع حداکثری خود تغییر قابل توجهی از موضعی بود که اوکراین در مذاکرات آتش بس در ماه مارس در ترکیه اتخاذ کرد، زمانی که موافقت کرد از جاه طلبی خود برای پیوستن به **نا تو** دست بردارد و در ازای عقب نشینی روسیه از این کشور، میزبان پایگاه‌های نظامی خارجی نباشد. مواضع قبل از تهاجم در آن مذاکرات، اوکراین موافقت کرد که درباره آینده **دونباس** مذاکره کند و تصمیم نهایی درباره آینده **کریمه** را تا 15 سال به تعویق بیندازد.

فایننشال تایمز داستان آن طرح صلح 15 ماده‌ای را در 16 مارس منتشر کرد و **زلنسکی** در یک برنامه تلویزیونی ملی در 27 مارس، «توافق بی طرفی» را برای مردمش توضیح داد و قول داد قبل از اجرایی شدن آن، آن را به همه پرس‌وی ملی ارائه کند.

اما پس از آن، **بوریس جانسون**، نخست‌وزیر بریتانیا، در 9 آوریل برای لغو این توافق مداخله کرد. او به **زلنسکی** گفت که بریتانیا و "غرب جمعی" در درازمدت در آن حضور دارند و از اوکراین برای جنگ طولانی مدت حمایت خواهند کرد، اما هیچ توافقی را که اوکراین با روسیه منعقد کرده است، امضا نخواهند کرد.

این به توضیح این موضوع کمک می‌کند که چرا **زلنسکی** اکنون از پیشنهادات غرب آنقدر آزرده خاطر شده است که باید به میز مذاکره بازگردد. **جانسون** از آن زمان با شرمندگی استعفا داد، اما او **زلنسکی** و مردم اوکراین را به وعده‌هایش رها کرد.

در ماه آوریل، **جانسون** ادعا کرد که از طرف "غرب جمعی" صحبت می‌کند، اما تنها ایالات متحده علناً موضع مشابهی اتخاذ کرد، در حالی که فرانسه، آلمان و ایتالیا همگی خواستار مذاکرات آتش بس جدید در ماه مه شدند. اکنون خود **جانسون** در مورد ژورنال در تاریخ 9 دسامبر فقط در گزارشی نوشت که «نیروهای روسی باید به مرز واقعی 24 فوریه بازگردانده شوند.»

**جانسون** و **بایدن** سیاست غرب در قبال اوکراین را به هم ریخته‌اند و از نظر سیاسی خود را به سیاست جنگ بی‌قید و شرط و بی‌پایان می‌چسبانند که مشاوران نظامی **نا تو** به دلایل متقنی آن را رد می‌کنند: برای جلوگیری از پایان جنگ جهانی سوم که خود **بایدن** قول داده بود از آن اجتناب کند.

رهبران ایالات متحده و **نا تو** سرانجام در حال برداشتن گام‌های کوچک به سمت مذاکرات هستند، اما سوال مهمی که جهان در سال 2023 با آن مواجه است این است که آیا طرف‌های متخاصم قبل از اینکه ما ریپچ‌تشدید به طور فاجعه‌باری از کنترل خارج شود، به میز مذاکره خواهند رسید.

**سطری چند در مورد نویسندگان این مقاله :**

**مدیا بنیامین**

مدیا بنیامین یکی از بنیانگذاران Global Exchange و CODEPINK: Women for Peace است. او با نیکلاس جی اس Davies, of War in Ukraine: Making Sense of a Sense Conflict, در دسترس از OR Books در نوامبر 2022. کتابهای

دیگر عبارتند از: "در داخل ایران: تاریخ واقعی و سیاست جمهوری اسلامی ایران" (2018)؛ "پادشاهی ناعادل: پشت ارتباط ایالات متحده و عربستان" (2016)؛ "جنگ هواپیماهای بدون سرنشین: کشتن با کنترل از راه دور"؛ (2013) "گرینگو نترس: زن هندوراسی از دل حرف می‌زند" (1989) و (با جودی ایوانز) «همین حالا جنگ بعدی را متوقف کن. (2005) «بیوگرافی کامل نیکلاس جی.اس. دیویس

### **Nicolas J. S. Davies**

یک روزنامه نگار مستقل و محقق با CODEPINK است. او همراه با مدیا بنجامین، کتاب جنگ در اوکراین: ایجاد حس درگیری بی‌معنا، که در نوامبر 2022 از کتاب OR در دسترس است، و نویسنده کتاب «خون روی دست‌های ما: تهاجم و نابودی آمریکا به عراق» است.

----- **با تقدیم احترامات «2023-01-06»**